

شویت یابی جوانان ایلامی

و عوامل زمینه ساز آن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نبی اله علی نظری
کارشناس ارشد جامعه شناسی

هویت جدید از نتایج ناگوار

بحران می‌کاهد

بودن موصوف باصفات اصلی و جوهری مورد نظر است. وقتی از هویت واقعی پدیده‌ای سخن به میان می‌آید باید آن سخن طوری باشد که نشان دهد پدیده مزبور به راستی گویای ماهیت وجودی خویش است. مثلاً وقتی می‌گوییم «مشک آن است که ببوید، نه اینکه عطار بگوید»، ماهیت و طبیعت مشک، عطر آگینی آن است.^۱

روی هم رفته (هیچ پدیده‌ای نیست که دارای هویت نباشد. اما مسئله این است که این هویت تا چه حد با ذات آن پدیده منطبق است). این امر در مورد پدیده‌های فیزیکی و طبیعی غالباً مشخص است. و همه بر سر هویت یک پدیده مانند «کوه» یا «سنگ» اتفاق نظر دارند، اما در مورد پدیده‌های اجتماعی و انسانی، اطلاق یک هویت ثابت و مشخص به ذات آنها امری دشوار است. و ذات ثابت و ماهیت قاطع برای افراد انسانی نمی‌تواند قایل شد. زیرا که مبدأ «هویت» پندار و گفتار و کردار آنهاست و چون این امور در ظرف زمان و مکان و از انسانی به انسان دیگر متفاوت و متغیر است، نمی‌توان ماهیت ثابت و لایتغیری برای آنها در نظر گرفت.

با همه این احوال، در علوم اجتماعی و انسانی، بویژه در آنجایی که به تحلیل عملکرد انسانها در چهارچوب تعاملات اجتماعی (Social Interactions) و روابط متقابل مکرر پرداخته می‌شود - یعنی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی - می‌توان از دیدگاه پویایی‌شناسی (Dinamism) به هویت به عنوان یک «فرایند» نگریست و آن را گونه‌ای تفسیر بازتابی از موقعیت اجتماعی در نظر گرفت که در حال شکل گرفتن است.

آنچه که از تعریف هویت در این مقاله، مورد نظر است، هویت اجتماعی و خصایص اجتماعی است که خود به واسطه آن متصف به صفات گروه یا اجتماع و طرز تفکر یا احساس خاصی (فرهنگ) می‌گردد. این مطلب ما را از این واقعیت غافل نمی‌سازد که هویت‌ها بویژه در دنیای نوین کاملاً مشخصی شده و خود را به کلی از خصایص جمعی پیشین که وجه مشخصه آن جوامع بود، مجزا ساخته‌اند، لذا با این تذکر ضروری به نظر می‌رسد

مقاله حاضر به یک بررسی نظری از مسئله هویت‌یابی جوانان با نیم‌نگاهی به وضعیت جوانان ایلامی پرداخته است. قصد داریم با ارائه تعاریفی از هویت و گریزی به دو دیدگاه نظری در زمینه چگونگی هویت‌یابی و شکل‌گیری هویت، به چند پرسش اساسی پاسخ بگوئیم:

۱ - نسل جوان ایلام چه ویژگی‌های خاصی دارند؟

۲ - آیا صرفاً هویت‌یابی به هویت جدید، همواره یک مسئله یا معضل است یا خیر؟

۳ - هویت‌های غالب در بین جوانان استان ایلام کدامند؟

۴ - چه عواملی مسیر هویت‌یابی جوانان را تسهیل یا احیاناً محدود می‌نمایند؟

تلاشی که در این مقاله برای پاسخگویی به سوالات مطرح شده فوق و سوالات دیگر، انجام گرفته است، نه براساس مطالعات تجربی و مدون و همراه با نتایج آماری است، بلکه اکثراً دیدگاههای نظری و تجارب ناشی از مشاهدات نگارنده است که با تاسی از یک محور تئوریک در زمینه مبحث هویت‌یابی به انجام رسیده است. در این مقاله سعی شده است بر مبنای تئوری «نظام کنترل فرایند هویت» مسئله هویت‌یابی جوانان ایلامی تحلیل گردد.

هویت چیست؟

هویت* کلمه‌ای عربی است. معنای این اسم «اتحاد به ذات» یا «انطباق با ذات» است. «اتحاد با ذات» به معنای اتصاف و شناخته شدن و یکی

هیچ پدیده‌ای نیست

که دارای هویت نباشد.

اما مسئله این است

که این هویت تا چه حد

با ذات آن پدیده

منطبق است

که هویت شخصی را نیز در کنار هویت جمعی تعریف کنیم.

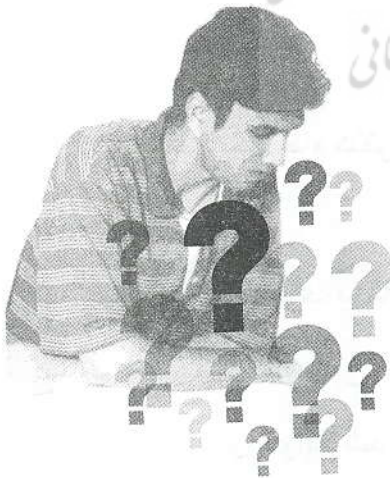
هویت شخصی: «هویت شخصی در حقیقت همان «خود» است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی نامه‌اش می‌پذیرد»^۲ در اینجا منظور از هویت بازتاب تفسیری است که شخص از تداوم خود در زمان و مکان به عمل می‌آورد. «هویت در واقع همان چیزی است که فرد، چنان که در اصطلاح «خودآگاهی» آمده است، به «آن» آگاهی دارد، به عبارت دیگر، هویت شخصی، چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنشی‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد.^۳ چنانچه مفهوم «خود» در نزد جرج هربرت مید را در نظر بگیریم، به موجب نظریه ایشان، «I» (من فاعلی) دلالت بر اراده و خواست اولیه و فعال فرد دارد که روی «Me» یا «من مفعولی» چنگ می‌اندازد و هویت شخصی را می‌توان این بخش فعال از «خود» در نظر گرفت. و لفظ «من را» یا «من مفعولی» را دلالت بر هویت اجتماعی فرد دانست که بازتاب پیوندهای اجتماعی است و تعلقات و وابستگی‌ها و تأثیرات بیرونی بر فرد را آشکار می‌سازد.

هویت اجتماعی: «منظور از هویت اجتماعی، تصور، درک و ارزیابی فرد از خودش در منظر دیگران - جامعه - است؛ اگر این تصور، درک و ارزیابی، مثبت باشد و فرد احساس کند در منظر دیگران و جامعه دارای جایگاه، ارزش و احترام است، احساس هویت اجتماعی مثبت به او دست خواهد داد، اما اگر چنین نباشد، فرد نسبت به جامعه‌اش احساس بی‌هویتی خواهد کرد و این احساس بی‌هویتی زمینه‌ای برای انحراف فرد خواهد شد»^۴.

آنچه از این تعریف برمی‌آید این است که هویت یک طوق یا نشان مشخص نیست که به گردن فرد یا گروهی آویخته شود و به واسطه آن از منظر یک ناظر بیرونی، نوعی تمایز صد درصد روشن بین افراد و گروه‌های اجتماعی ترسیم کرد، بلکه هویت

یک نوع خودآگاهی به وضعیت و موقعیت است. «هویت اجتماعی رشته‌ای از معانی است که فرد در محیط با موقعیت اجتماعی برای تعریف خود به کار می‌برد. این رشته از معانی هم شامل اجزای نمادین و هم غیر نمادین می‌شود. جزء نمادین شامل تصور عمومی ما از معانی است | همانند تصویری که ما از «نوجوان مؤدب» در دید عموم داریم]. همانطور که در کنش متقابل نمادین آمده است. جزء غیر نمادین شامل منابع گوناگونی است که بواسطه نقش شخص در جامعه تحت کنترل او درآمده است، این رشته از معانی به عنوان یک منبع یا استاندارد برای ارزیابی شخص از خودش در جامعه به کار می‌رود. بنابراین شکل‌گیری هویت اجتماعی، یک حلقهٔ ییگشتی و دور کامل دارد»^۵

این تلقی از هویت، مضمون پویایی و حرکت به سوی شکل‌گیری هویت‌های جدید را در بر دارد. چنین فرایندی را تا حد زیادی می‌توان خصیصهٔ دنیای مدرن به حساب آورد که طی آن «خود» به صورت یک تصویر بازتابی از نقل و انتقالات زندگی‌های فردی و تغییرات موقعیت‌ها برحسب سرعت حاکم بر دگرگونی‌های جامعهٔ صنعتی و ما بعد آن درآمده است. «در فرهنگ‌های سنتی گذر، از یک موقعیت اغلب به صورت آیین‌های گذر» تحقق می‌یافت... در این گونه فرهنگ‌ها که همهٔ امور اجتماعی از نسلی دیگر تقریباً یکسان و دست نخورده باقی می‌ماند، تغییر هویت اجتماعی عملاً به صورت مظهر و نشانی آشکار و دست نخورده بر شخصیت افراد کوبیده می‌شد - چنان که، برای مثال، در جریان مراسم ویژهٔ گذر از مرحلهٔ نوجوانی به مرحلهٔ بزرگسالی، وظایف و تکالیف سنتی معینی به نوجوان ابلاغ می‌شد و بلافاصله پس از



تئوری‌های هویت

(الف) تئوری نظام کنترل فرایند هویت (The control System of the Identity Process

Theory) این تئوری نشان دادن مدلی از روابط بین فشار و هویت است که در نتیجه آن هویت جدیدی شکل می‌گیرد. این تئوری نشان می‌دهد، فشارهای اجتماعی (ومحیطی) منجر به شکستن حلقه‌های بازگشتی می‌شوند که فرایند هویت را حفظ می‌کنند. انقطاع فرایند هویت از عملکرد دو مکانیزم حاصل می‌شود:

۱ - حلقه‌های شکسته شده

۲ - سیستم‌های هویتی پیش از حد کنترل شده. هرکدام از این مکانیزمها، شرایطی را برای ایجاد فشارهایی فراهم می‌کنند که نتیجه آن انقطاع فرایند هویت را در برداشته و نتیجه آن انقطاع هم برای فرد احساس بی‌هویتی و کسب هویتی تازه را در بر دارد. در هر حال این تئوری نشان خواهد داد که چگونه ارزیابی یک شخص از جامعه نسبت به خودش - احساس هویت اجتماعی - به فشارهای اجتماعی ارتباط پیدا کرده و چگونه این فشارها، فرایند هویت فرد را منقطع می‌کنند و فرد احساس بی‌هویتی کرده و هویت جدیدی را جایگزین می‌کند.^۷ مدل - طرح شماتیک نظام کنترل فرایند هویت اجتماعی

استاندارد هویت

فرایند مقایسه و سنجش داده با استاندارد همانگونه که در شکل مشاهده می‌شود، فرایند

بر طبق تئوری هویت،

فرایند هویت، یک نظام کنترل است

و این نظام کنترل

در صورتی که ضعیف یا ناقص

شود، بی‌هویتی اجتماعی

اجتماعی حاصل خواهد شد

شکل‌گیری هویت یک چرخه برگشتی یا حلقه کامل است. این حلقه چهار جزء دارد:

۱ - «داده» که از محیط یا موقعیت اجتماعی دریافت می‌شود - ارزیابی‌هایی که از بیرون روی فرد انعکاس یافته است

۲ - درک از خود یا مجموعه‌ای که فرد خودش را با آن معنا می‌کند.

۳ - فرایندی که داده را با استاندارد هویت مقایسه و سنجش می‌کند.

۴ - «بازده» برای محیط - رفتارهای معنادار - که نتیجه‌ای از این مقایسه است.^۸

این نظام کنترل فرایند هویت، رفتار فرد را برای موقعیت اجتماعی اصلاح می‌کند تا ارزیابی‌های بیرونی یا انعکاس یافته از بیرون فرد را برای سازگاری با استانداردهای داخلی اصلاح کند. اگر بین ارزیابی‌های بیرونی از فرد با استاندارد هویتی که فرد برای خود دارد، سازگاری وجود نداشته باشد، نتیجه آن انقطاع فرایند هویت است. به عبارت دیگر «برطبق تئوری هویت، فرایند هویت، یک نظام کنترل است و این نظام کنترل در صورتی که ضعیف یا ناقص شود، بی‌هویتی اجتماعی حاصل خواهد شد.»^۹

منظور از استاندارد هویت، معانی به کار رفته توسط افراد برای خودشان در نقشی است که ایفا می‌کنند، مثلاً هویت جنسی یک شخص، درجه معنی از مرد بودن او است و یا هویت دانشجویی یک فرد، ممکن است بطور همزمان، در درجات معنی از موفقیت‌های تحصیلی، عقل‌گرایی، خوش مشرب بودن و ادعاهای شخصی قرار گیرد. بر طبق این تئوری اگر «داده‌ای» که می‌آید، با معانی شخصی در استاندارد هویت و هویت افراد همخوانی نداشته باشد، برای آنها یک احساس فشار ایجاد می‌کند که با افزایش آن ناسازگاری نیز افزایش می‌یابد، همچنین با ورود این فشارها، بازده نظام هویتی نیز تغییر می‌کند.

طبق این تئوری شخص به خاطر ناسازگاری با محیط و موقعیت اجتماعی، احساس فشار خواهد کرد و برای رها شدن از رنج و عذاب این فشار، رفتارش را تغییر خواهد داد و در نتیجه، داده‌های

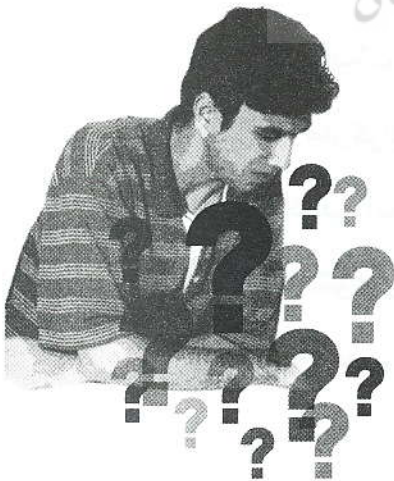
اصلی بحران هویت است»^{۱۳}]

به عبارت روشن‌تر «هرگاه فرد در یافتن هویت خود دچار شک و تردید و دودلی و عدم قاطعیت شود، دچار بحران هویت می‌شود.»^{۱۴}

اما این بحران یک مرحله گذار از یک موقعیت به موقعیتی جدید است که در پدیده‌های اجتماعی دیگر نیز می‌توان شاهد آن بود، یعنی در این بحران شدت آن بیش از صرف وجود بحران، مورد توجه است. زیرا [گذار سریع و یافتن هویت جدید از نتایج ناگوار بحران می‌کاهد،] هرچند که کیفیت و ویژگی هویت جدیدی که فرد کسب می‌کند، جای بحث دارد. لذا لازم است که با توجه به جوان بودن جمعیت مورد بررسی، در این قسمت تعاریفی از «هویت یابی» و «جوان» نیز ارائه گردد. طبق شواهدی که از تئوریها و نظرات مختلف در باره فرایند هویت برمی‌آید، هویت‌یابی را می‌توان به عنوان تلاشی در نظر گرفت که جوان یا نوجوان به منظور ارائه تصویر و یا ارزیابی مطلوبی از خود در جامعه و یا تعلق و پیوستگی با جمع یا گروهی انجام دهد.

-تعریف جوان:

در تعریف جوان نیز باید اذعان کرد که «جوان یک مفهوم اجتماعی است [نه بیولوژیک]»^{۱۵} تعریف و تحدید پدیده جوان به موقعیت فرد در سنین جوانی از نظر گاههای شغلی، اوقات فراغت، تأهل و مجرد، همبستگی گروهی با همسالان و تضاد میان نسلها بر می‌گردد. با قدری تسامح می‌توان افراد ۱۵ تا ۲۵ سال را به عنوان گروه جوانان جامعه ایران در نظر گرفت. حد پایین آن از آنجا ناشی می‌شود که جوانان جامعه ایران معمولاً



جدیدی که منجر به هویت تازه‌ای می‌شوند، دریافت خواهد کرد.^{۱۰}

شکل‌گیری هویت مستلزم طی کردن دوره کامل نمودار مربوط به نظام کنترل فرایند هویت اجتماعی است. و منظور از نظام در اینجا، یک نظام یا سیستم کنش متقابل اجتماعی است که شامل منابع دردسترس و رفتارهای دیگران است.

ب- تئوری جدا افتادگی (Social loneliness Theory)

این تئوری تصریح می‌کند که «جدا افتادگی» یا «تنهایی اجتماعی» که در اثر فقدان مطرح شدن، فقدان احساس تعلق به جامعه و قرار گرفتن در حاشیه جامعه حاصل شده است، منجر به احساس بی‌هویتی اجتماعی نوجوانان شده و بطور ویژه‌ای برای آنان مشکل‌ساز می‌شود. در این صورت نوجوانان برای کسب هویت خودشان به گروه همسالان رجوع کرده و با عضویت خود در گروه همسالان، موقعیت جدیدی را در جامعه برای تعریف از خودشان پیدا می‌کنند.^{۱۱}

یکی از انواع گروههای همسالان که نوجوانان با پیوستن به آنها، هویت اجتماعی خودشان را کسب می‌کنند، اصطلاحاً «Crowd Types» نامیده شده است. افراد این گروه به طور مشابه، تمایزات خودشان را در ظاهر به لباس پوشیدن، سبک موی سر، نوع سخن گفتن و رفتار خاص برای بیان کردن هویت گروهیشان بکار می‌برند.^{۱۲} اساس این دو تئوری و برخی نظرات مشابه دیگر که در اینجا به آنها اشاره نشده است، بر این مطلب استوار است که هویت، فرایندی در حال شکل گرفتن است. چنانچه برخی عوامل تأثیرگذار که در آینده به آنها اشاره خواهد شد، در این میان ناقص عمل کنند، انقطاع یا شکستی در شکل‌گیری هویت ایجاد می‌شود که شخص را دچار نوعی بی‌هویتی یا بحران هویت می‌سازد.

زیرا «زمانی که افراد از هویت قبلی خود جدا شده و به هویت‌های جدید نپیوسته‌اند، دچار بلاتکلیفی و سردرگمی می‌شوند و بحران پدید می‌آید... [کنده شدن از هویت‌های موجود و دور ماندن از پیوستن به هویت [های] مطلوب، هسته

الگوی انتقال ارزشهای

مذهبی در خانواده‌های

ایلامی ناقص عمل می‌کند

گرفته است و عموماً نوعی تصویر نسبتاً روشن و ثابت است که عمده ماهیت و محتوای آن منبعث از فرایند جامعه پذیری فرد در خانواده و برخی محیط‌های نسبتاً همگون با محیط خانواده می‌باشد. زیرا در این سنین معمولاً خانواده‌ها بر فرزندان خود کنترل داشته و بیشترین سهم را در جامعه‌پذیری آنان دارند. اما با ورود به سنین نوجوانی و آغاز دوره جوانی با توجه به ویژگیهای متعددی که برای این سن ذکر کردیم و از جمله اینکه فرد در این سنین تا حدودی از حیطه کنترل خانواده خارج شده و وارد گروه همسالان می‌شود، تحت تأثیر برخی عوامل ساختاری و فردی قرار می‌گیرد و به نحوی از هویت پیشین کنده شده و به سوی یافتن هویت‌های جدیدی قدم برمی‌دارد. چنانچه در جوامع و فرهنگ‌های سنتی گذشته نیز فرد با وارد شدن به موقعیت‌های جدیدی همانند جوانی، با نقش‌های تعریف شده اجتماعی خاصی مواجه می‌شد که مجموعه انتظارات خاص را برای شخص بدنبال داشت که این امر یک تصویر جدید از فرد در اجتماع به خود او ارائه می‌کرد، لذا با هویتی جدید شناخته می‌شد. یعنی حتی در آن زمان هم هویت‌های جدید و هویت‌یابی امری نامعمول و غیر عادی نبوده است، اما موضوع قابل تأمل این است که هویت کسب شده جدید توسط نوجوان، مجموعه خصایص و انتظارات مشخصی بوده است که به صورت یک مهر مشخص بر پیشانی فرد زده می‌شد و هر آنچه که به عنوان ارزیابی جامعه از موقعیت جدید فرد مطرح بوده است، با ادراک او از معانی مورد نظرش در باره آن موقعیت جدید تطابق داشته است و فرایند شکل‌گیری آن هویت جدید کامل طی شده و مشکلی بوجود نیامده است. آنچه که در بحث هویت‌یابی یا کسب هویت جدید در بین نسل جوان امروزی بویژه در استان ایلام مطرح است، از یک جهت، عدم تطابق بین ارزیابی‌های جامعه بویژه والدین از موقعیت و عملکرد مورد انتظار جوانان با ادراک جوانان از آن موقعیت‌ها بدنبال مقایسه این ارزیابی‌ها با استاندارد هویتی است که در نزد خود دارند و این امر موجب ناقص ماندن فرایند شکل‌گیری هویت مورد نظر جامعه

تا ۱۵ سالگی بیش از آنکه استقلال داشته باشند و تحت نفوذ و تأثیر دوستان و همسالان خود باشند. تحت تأثیر خانواده هستند، در نتیجه کمتر دیده می‌شود که به عنوان یک گروه اجتماعی ظاهر شوند. همچنین از ۲۵ سال به بعد اکثراً شاغل و متأهل می‌شوند و در نتیجه کمتر در جرگه جوانان مقوله‌بندی می‌گردند. این محدوده سنی عموماً مربوط به افرادی است که نسبت تجرد در میان آنها بالاست، سهم شاغلین کم است، دارای اوقات فراغت زیاد هستند. مشغول تحصیل بوده و دارای همبستگی‌های گروهی با دوستان خود می‌باشند و مستعدند تا پدر و مادر خود را نسل گذشته خطاب کنند. و بدین وسیله خود را جزو گروهی که متعلق به دوران جدید است بدانند که نیازهای جدیدی دارند. ۱۵

از مهمترین ویژگی‌های این قشر براساس نظریه‌های تحولی، شناختی چنین آمده است. «احساس خویشتن، خودآگاهی، خودخواهی، بشر دوستی، ایده‌آلیسم و قهرمان‌گرایی اخلاقی، و جد مذهبی و... ۱۶ نیاز به تخطی از هنجارها، انزوا، اسرار‌گرایی، تک‌گویی درون‌گرایانه» ۱۷ و از مهمترین نیازهای این دوره می‌توان نیاز به مهربانی و محبت، نیاز به امنیت و آسایش، نیاز به احساس تعلق داشتن و مورد قبول گروه همسالان واقع شدن نیاز به استقلال، نیاز به تشخیص و قدردانی، نیاز به احساس هویت و شناخت خود و نیاز به کمال و رشد خود شکوفایی را ذکر کرد.

هنگامی که از هویت‌یابی جوانان صحبت می‌کنیم به خوبی واقفیم که تا قبل از دوره جوانی و نوجوانی، تصویری که فرد از خود در محیط اجتماعیش دارد و ما آن را هویت می‌نامیم، شکل

برخی خواسته‌ها و تمایلات خاص

این دوره از قبیل قهرمان‌گرایی،

ظاهرگرایی، ایده‌آل‌گرایی آنان را به

سوی گروه‌هایی که الگوهای خود را

از مدهای رایج جامعه کسب

می‌کنند، سوق می‌دهد

هویت، یک فرایند است

و تمایل به سوی کسب هویت جدید

یک امر طبیعی است

(هویت مطلوب والدین و جامعه سنتی) و واکنش نامناسب جوانان به این طرز تلقی شده که آنان را به سوی کسب هویتی جدید فرا می خواند.

از جهت دیگر، اینکه هویت‌های جدیدی که جوانان ایلامی به دلیل ناقص ماندن فرایند شکل‌گیری هویت سنتی کسب می‌کنند، تا چه حد نگران‌کننده و غیر قابل انتظاراند.

و از جانب سوم باید این بحث مطرح شود که چه عواملی زمینه‌ساز این هویت‌یابی جدید و یا تغییر هویت پیشین هستند.

- ویژگی‌های نسل جوان ایلام:

کاوش در ویژگی‌های فردی و ساختار جامعه جوان ایلام ما را به این نتیجه می‌رساند که جوانان ایلام درصد بالایی از جمعیت استان را به خود اختصاص می‌دهند که توجه خاصی را از سوی خیراندیشان و راست‌اندیشان می‌طلبد. این جمعیت برخی ویژگی‌های عمومی و اختصاصی دارد. ویژگی‌های «عمومی» آن، همان نکاتی است که در تعریف جوان عنوان گردید و ویژگی‌های خاص آن شامل مواردی از این قبیل است:

الف) خاستگاه کاملاً سنتی با «فاصله نسلی» بسیار اندک از آن خاستگاه، که در اکثر موارد از یک نسل تجاوز نمی‌کند.

ب) حجم انبوه جمعیت روستایی در مقابل جمعیت شهرنشین که سهم قابل توجهی از آن را جوانانی تشکیل می‌دهند که بیشترین اوقات خود را با خانواده و محیط محدود روستایی صرف کرده و در ارتباط هستند، لذا سهم عظیمی از جامعه‌پذیری آنان در این دو محیط انجام می‌پذیرد و نقش عمده‌ای در هویت‌یابی جوانان دارد.

ج) درصد بالای بیکاری و عدم اشتغال در بین جوانان استان به دلیل محرومیت‌های متعدد اقتصادی و فرهنگی و آموزشی که از عوامل ساختاری است و در شکل‌گیری هویت جوانان جای بحث دارد.

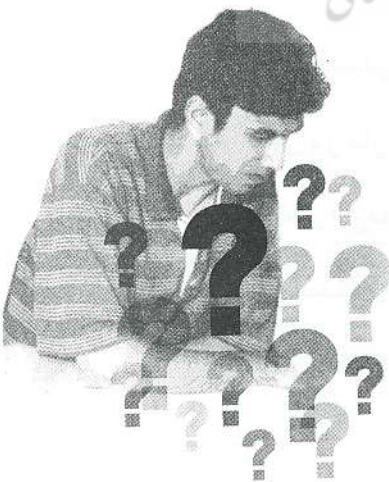
د) گویش یا زبان محلی که در احساس هویت قومی یا گروهی و استانی در مقایسه با سطح نظام اجتماعی کل (جامعه ایران) جایگاه

نامشخصی دارد.

ه) ابهام در تعریف نقش جوانان در بخش عظیمی از جامعه استان (بخشی که شکاف بین نسل گذشته و نسل جوان به دلیل نبود یا کمبود تحصیلات نسل گذشته و برخورداری آنان از مجموعه اعتقادات سنتی، آنان را در رویارویی با موقعیت‌های جدید نسل جوان دچار اشکال ساخته است، لذا تعریف روشنی از این نقش را به نسل جوان خود عرضه نمی‌کنند).

- هویت‌های غالب در جوانان استان:

در مبحث اول از هویت‌یابی جوانان ایلام این نکته نهفته است که بخشی از جامعه که فاصله میان نسلها یا «شکاف نسلی» قابل توجه نیست و ارزشهای دو نسل (والدین و فرزندان) تقریباً یکسان بوده و بیشترین گستره جامعه‌پذیری جوانان در دامن خانواده صورت گرفته است. تصویری که جوانان از موقعیت و نقش‌های متعدد خود در جامعه و محیط اجتماعیشان دارند با ارزیابی انعکاس یافته از سوی والدین و اطرافیان بر روی این موقعیت‌ها، همخوانی دارد و معمولاً فرایند شکل‌گیری هویت جوانان با مشکلی روبرو نمی‌شود و هویت‌های پیشین، یعنی نسل گذشته که در جامعه‌پذیر کردن فرد نقش بسزایی داشته‌اند، بدون تغییر به نسل جدید منتقل شده و جوان، عملکردها و واکنش‌های متناسب با انتظارات اجتماع خویش بروز می‌دهد؛ لذا به سوی کسب هویت جدید روی نمی‌آورد. این پدیده در نزد خانواده‌های روستایی که جوانان آنها الگوهای تربیتی و شخصیتی را پدر و مادر و اطرافیان خود می‌دانند و نقش رسانه‌ها در این محیطها بسیار کم



تأثیر است، بیشتر مشاهده می‌شود. همچنین در محیط‌های شهری که فاصله سنی والدین و فرزندان و فاصله سطح تحصیل و ارزشهای آنان با یکدیگر کمتر است، نیز پدیده تثبیت و عدم تغییر هویت تا حدودی قابل رؤیت است. اما بیشترین گستره تغییر هویت یا اختلال در فرایند هویت و تمایل به سوی کسب هویت جدید در جوانانی مشاهده می‌گردد که به واسطه عوامل بسیار متعددی ارزیابی‌های جدید و متفاوتی از هویت خود نسبت به جامعه پیرامونی دارند؛ جوانانی که والدین بی‌سواد یا کم‌سواد داشته و خود تحصیلات دیپلم به بالا دارند؛ جوانانی که با گروه‌های اجتماعی متعددی غیر از گروه خانواده و خویشاوندی ارتباط یا عضویت دارند، همانند گروه‌های همسالان، هم‌کلاسیها، هم‌محل‌ها و... و از کانه‌های اجتماعی متعدد، فرایند اجتماعی شدن و کسب هویت و ارزشها و الگوهای عمل را طی می‌نمایند مانند مطبوعات، رسانه‌های صوتی - تصویری، نهادهای فرهنگی و آموزشی و تفریحی و... این جوانان بیش از سایرین از هویت‌های پیشین جدا افتاده و هویت جدیدی کسب می‌کنند. درصد بالایی از جوانان استان ایلام را می‌توان در این طیف قرار داد که بواسطه شکاف نسلی و اختلاف ارزشهای سنتی و مدرن بین والدین و فرزندان به هویت‌های جدید روی آورده‌اند. درصد قابل توجهی از این جوانان با پیوستن به گروه‌های همسالان، گروه‌های شغلی، گروه‌های منزلتی و گروه‌های تحصیلی و... موفق به دستیابی به این هویت جدید گردیده‌اند اما درصدی از آنان نیز به خاطر مبهم بودن انتظارات جامعه و محیط اجتماعی و مشخص نبودن آینده شغلی، بیکاری، دوگانگی در رفتار والدین و جامعه و نداشتن

رسانه‌ها و تلویزیون محلی

نیز هر چند که سعی در بازیابی

فرهنگ بومی و سنتی دارند،

اما خود مقهور موج سنگین

تأثیرات نظام یکسان ساز ملی

و فراملی هستند

«استاندارد هویتی» نزد خود، به نوعی سردرگمی و بی‌هویتی و اصطلاحاً «بحران هویت» دچار شده‌اند و ما شاهد بروز رفتارهای نامناسب و انواع انحرافات اجتماعی از سوی این درصد قلیل هستیم که به شکل ولگردی، توقف‌های طولانی و غیر ضروری در معابر و امکان عمومی، تنبلی و کاهلی و تن ندادن به مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی، عدم مشارکت در فعالیت‌های عمومی و ضروری زندگی و حتی گوشه‌گیری و انزوا و نهایتاً خودکشی نمایان می‌شود.

- آیا کسب هویت جدید یک معضل است؟

در محبت دوم از هویت‌یابی، این نکته مطرح می‌شود که آیا اینکه جوانان ایلامی از هویت‌های سنتی خود مانند قبیله‌گرایی، سنت‌گرایی، تقدیرگرایی و... جدا شده‌اند و هویت‌های جدیدی همانند ملی‌گرایی یا جهان‌وطنی و عقل‌گرایی و سودمندگرایی و فردگرایی را کسب کرده‌اند، نگران‌کننده است و می‌توان به عنوان یک معضل به آن نگاه کرد یا خیر؟ در جواب می‌گوییم که ما هیچ وقت انتظار تثبیت یک هویت ثابت برای تمام نسل‌ها در طول تاریخ نداریم، مگر در زمینه برخی ارزشها که دوام آنها نیز در طول تاریخ شکلی متفاوت به خود می‌گیرد؛ لذا [به هرگونه تغییر هویت و هویت‌یابی در بین جوانان با دید یک مسئله یا مشکل نگاه نمی‌کنیم اما بی‌هویتی یا سرگردانی که در فاصله رها شدن از هویت پیشین و کسب هویت جدید ایجاد می‌گردد، یک موضوع مسئله‌ساز است | البته ناگفته نماند که استان ایلام و نسل جوان آن، استعداد فراوانی برای قرار گرفتن در این موقعیت دارد زیرا شرایط انقطاع فرایند شکل‌گیری هویت در استان، براساس تئوری «فرایند کنترل هویت» مساعد است.

- عوامل زمینه‌ساز هویت‌یابی:

در مبحث سوم به عوامل زمینه‌ساز این انقطاع هویت می‌پردازیم. عواملی که می‌توانند هویت جوانان را شکل دهند یا سبب تغییر آن شوند،

به نخبگان ورزشی اشاره کرد که بیشترین و برجسته‌ترین نمود آن را در ورزش «بدنسازی» یا «پرورش اندام» می‌توان یافت که معمولاً آن را از تعداد کثیر باشگاههای بدنسازی در سطح شهر و شهرستانها و استقبال وسیع جوانان ایلامی از این ورزش نسبت به سایر ورزشها به دست آورد که آن را نوعی هویت یابی گروهی و شناخت تمایز و برتری یک جنس نسبت به جنس دیگر در نظر آورد. البته انواع دیگر از هویت یابی از طریق گروههای همسالان را در گرایش به مدهای ظاهری در بین جوانان از هر دو جنس (پسر و دختر) می‌توان دید که نقش ارتباطات و رسانه‌ها در ایجاد این الگوها را یادآور می‌سازد.

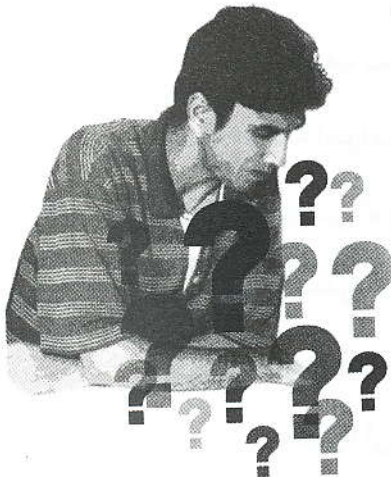
۳ - رسانه‌ها: اصلی‌ترین رسانه‌های قابل دسترسی برای جوانان استان، تلویزیون، ویدیو سینما و پس از آن مطبوعات است. [برنامه‌های تلویزیون در سطح ملی هیچ وقت پاسخگوی نیازهای جوانان استان و کامل کننده فرایند جامعه‌پذیری آنان نبوده و نمی‌تواند باشد] هرچند که تأثیر نسبی داشته است و با نوعی یکسان سازی فرهنگی و حذف و کمرنگ ساختن فرهنگهای محلی، خود عاملی در پیوستن جامعه بویژه جوانان به فرهنگ ملی و بهتر است بگوییم فرهنگ حاکم بوده است، ولی بیش از همه عاملی برای ایجاد شکاف میان نسله‌ها و ایجاد فاصله با فرهنگ و ارزشهای جامعه سنتی و محلی بوده است و در واقع این چندگانگی کانالهای جامعه‌پذیری جوانان عاملی در شکل‌گیری هویت نامتعیین جوانان شهرستانی و از آن جمله ایلامی می‌باشد که نوعی ابهام و سردرگمی و تعارض ارزشی را ایجاد کرده است. [رسانه‌ها و تلویزیون محلی نیز هرچند که

متعدد می‌باشند، اما نقش مهمترین عوامل در این زمینه برای جامعه ایلام را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱ - خانواده: خانواده‌های ایلامی، اکثراً حافظ و انتقال دهنده ارزشهای سنتی و مذهبی هستند. اما [الگوی انتقال ارزشهای مذهبی در خانواده‌های ایلامی ناقص عمل می‌کند] زیرا سطح آگاهی در اغلب این خانواده‌ها نسبت به عمق مسائل مذهبی و مناسک متعدد آن پایین است؛ لذا جوان یا نوجوانی که با دنیای نوین و مدرن روبرو می‌شود، استدلال محکمی برای ماندن در فضای مذهبی کمرنگ پیشین خانواده یا گروه اجتماعی فرا چنگ نمی‌آورد؛ لذا هویت مذهبی چندان پایداری در نسل جدید جامعه ایلام مشاهده نمی‌شود.

از سوی دیگر، مشکلات اقتصادی و سطح پایین درآمد خانواده‌ها و کمبود تحصیلات و آشنایی خانواده‌ها با الگوهای تربیتی، امکان و فرصت مناسب به اعضای خانواده، بویژه والدین برای برقراری ارتباط و صرف وقت و هزینه برای انتقال دقیق و روشن ارزشهای مطلوب اجتماع به جوانان فراهم نمی‌کند و جوانان حقیقت‌جو و تشنه‌الگو را به سوی گروههای همسالان سوق می‌دهد که این امر نقش گروه همسالان را در هویت‌یابی آنان عمده می‌سازد.

۲ - گروه همسالان: گروه همسالان به دلیل ویژگی‌ها و مشخصات مشابه، بویژه در دوره جوانی نقش تعیین‌کننده‌ای در هویت جوانان دارد. گروه همسالان در دوره جوانی هنوز الگوهای تثبیت یافته رفتاری مشخصی ندارند. [برخی خواسته‌ها و تمایلات خاص این دوره از قبیل قهرمان‌گرایی، ظاهرگرایی، ایده‌آل‌گرایی آنان را به سوی گروههایی که الگوهای خود را از مدهای رایج جامعه کسب می‌کنند، سوق می‌دهد] و این یک راه کسب هویت جدید است، اما در این شکل آن، هویت‌های مبهم و چندگانه غالبند. که نقش نخبگان سمبولیک (Symbolic Elits) یا نمادی که به شکل قهرمانان جوانان رخ می‌نمایند در جلب اعتماد جوانان چشمگیر است که طی آن جوانان خود را با آنان همانندسازی می‌کنند. در بین جوانان استان می‌توان



سعی در بازیابی فرهنگ بومی و سنتی دارند، اما خود مقهور موج سنگین تأثیرات نظام یکسان ساز ملی و فراملی هستند.]

کسب هویت ملی و حتی احساس تعلق به ارزشهای فراملی در چهارچوب رسانه‌ها و ابزار فرهنگی مورد استفاده جوانان مطلب دور از انتظار یا نامطلوبی نیست و چنانچه تحکیم و تداومی ریشه‌دار بیابد، مطلوب و مفید نیز خواهد بود. اما موضوع استفاده از ویدئو که الگوهای اخلاقی و ارزشی بسیار متفاوتی با الگوهای اخلاقی جامعه ما رواج می‌دهد و نوعی تیپ‌های شخصیتی و شیوه‌های رفتاری را به جوانان می‌آموزد، از جمله خشونت‌گرایی، آزادیهای جنسی و بی‌بندوباری رفتاری و رواج مصرف‌گرایی و پول محوری (سرمایه داری لیبرال) که برخی از این ارزشهای جدید با ذات فرهنگ ما ناسازگار است لذا هویت‌های ناسازگار با فرهنگ بومی و محلی ما شکل می‌دهد و برخی نیز به دلیل فراهم نبودن شرایط دستیابی به خواسته‌های متعاقب آنها که قابل پیاده شدن در جامعه سنتی و بی‌بضاعت ایلام نیستند، جوان را در یک موقعیت انتخاب بدون دسترسی به امکانات لازم قرار می‌دهد و نوعی دوگانگی ذهنی و عینی شدید ایجاد کرده و بحران هویت شدیدی را برای آنان فراهم کرده است و همین امر یکی از دلایل بسیار تأثیرگذار بر دلزدگی جوانان ایلامی از فرهنگ «خودی» شده است. چنانکه که اکثریت جوانان ایلامی، نوعی احساس حقارت در مقابل فرهنگ و شیوه‌های رفتاری و گفتاری مسلط که از طریق رسانه‌ها به آنها منتقل می‌گردد در خود حس می‌کنند. و بنده چون با جوانان و نوجوانان دبیرستانی سروکار دارم بارها

کنده شدن از هویت‌های موجود و دور

ماندن از پیوستن به هویت‌های مطلوب

هسته اصلی بحران هویت است

و به کرات ابزار احساسات حاکی از تحقیر و مسخره گرفتن فرهنگ بومی و محلی در مقایسه با فرهنگ مسلط کشور، بویژه در مقایسه با فرهنگ کشورهای متمدن بوده‌ام، هرچند که بخشی از این احساس برخاسته از شناختی است که ریشه در واقعیت دارد، اما بخشی از آن نیز نوعی گرایش ناخواسته و برگرفته از شرایط حاکم بر وضعیت تأثیرگذاری رسانه‌های تبلیغی یکسان‌ساز فرهنگی است. اما عده‌ای از جوانان کشور و استان نیز هستند که با تمام توان خود، فرهنگ بومی و محلی از جمله زبان و گویش و پوشش خود را پاس می‌دارند و برای دیگران نیز متشاثر می‌باشند که البته شمار این افراد اندک است.

۴- دولت: [سیاست‌های کلان جامعه که از کانال دولت به مرحله اجرا در می‌آیند، سهم عظیمی در تحول فرهنگی و در نتیجه سیر و حرکت جوانان به سوی هویت‌های جدید گروهی و شخصی دارد.] به عنوان مثال، رواج سرمایه‌داری خصوصی و به تبع آن گسترش روزافزون حجم محصولات و تنوع و کیفیت گونه‌گون آنان الگوهای مصرف را در بین افراد و خانواده‌ها به شدت تحت تأثیر قرار داده و دگرگون ساخته است. سطح توقعات و انتظارات را متفاوت نموده است و بدین طریق نوعی فاصله نسلی یا شکاف نسلی ایجاد کرده است که نمود آن در فرزند سالاری در درون اکثر خانواده‌ها نمایان است. دامنه این تأثیرات خانواده‌های ایلامی را نیز در برگرفته است و والدین را از نحوه رفتار و انتظارات فرزندانشان که تجلی «بودن» یا «هویت» آنان است به شگفت انداخته است.

- نتیجه گیری:

نتیجه‌گیری از مجموع این مباحث ما را به این نکته می‌رساند که [هویت، یک فرایند است و تمایل به سوی کسب هویت جدید یک امر طبیعی است.] هر زمان که عوامل زمینه‌ساز هویت اجتماعی جوانان از قبیل خانواده رسانه‌ها، دولت، گروه‌های همسالان و... ناقص عمل کنند، شتاب و شدت هویت‌یابی جدید اوج می‌گیرد. [از جمله

سیاست‌های کلان جامعه که از

کانال دولت به مرحله اجرا در

می‌آیند، سهم عظیمی در تحول

فرهنگی و در نتیجه سیر

و حرکت جوانان به سوی هویت‌های

جدید گروهی و شخصی دارد

هویت‌هایی که جوانان کسب می‌کنند، هویت‌های ثابت پیشین است که بدون تغییر از نسل گذشته به نسل جدید منتقل شده‌اند] و همچون مَهری ثابت بر پیشانی آنان می‌درخشد و می‌توان درصد اندکی از جوانان ایلامی از جمله جوانان روستایی را در این طیف قرار داد. هویت‌های گروهی، شغلی، تحصیلی، خانوادگی و منزلتی جدید در بین جوانان تحصیل کرده نیز دسته دیگر از این هویت‌ها را تشکیل می‌دهند که سیر طبیعی شکل‌گیری خود را طی کرده‌اند.

اما سرگردانی و بلا تکلیفی گروهی از جوانان که از هویت‌های پیشین رها شده و به هویت‌های مطلوب نیپوسته‌اند و به دلیل انواع انتظارات متفاوت و موقعیت‌های نامشخص اجتماعی، دچار سردرگمی گشته‌اند، نوعی دیگر از هویت نامشخص است که نگران‌کننده و مسئله‌ساز است و درصدی از جوانان استان چنین وضعیتی دارند.

- پیشنهادات:

در نهایت پیشنهادهایی در زمینه رفع معضلات مربوط به بی‌هویتی یا هویت‌یابی جوانان مطرح می‌گردد.

۱ - خانواده‌ها فرصت و فراغت بیشتری برای بودن در کنار جوانان و درک خواسته‌ها و علایق آنان فراهم کنند. نیازهای نسل جدید را بشناسند؛ با دیده احترام به آنان بنگرند و با تأیید خواسته‌های مطلوب آنها مهر تأیید بر هویت فردی و گروهی آنان زده و آنان را به هویت جمعی و گروهی پیوند دهند.

۲ - رسانه‌ها و مطبوعات، الگوهای مناسب رفتاری و شخصیتی را به جوانان معرفی نمایند. [نقش نخبگان نمادی (Symbolic Elits) در جلب اعتماد جوانان بسیار اساسی است. جوانان خود را با این نخبگان سمبلیک که اکثراً ورزشکار، هنرپیشه یا قهرمان در یک شاخه یا رشته یا موضوع هستند، همانندسازی می‌کنند.] لذا رسانه‌های محلی سعی کنند، این نخبگان محلی را شناسایی کرده و معرفی نمایند تا فرهنگ بومی و محلی نیز به تبع این اقدامات در نسل جوان نفوذ و ماندگاری بیشتری

پیدا کند.

۳ - دولت با اقداماتی از قبیل ایجاد اشتغال، برقراری عدالت اجتماعی و تسهیل امکانات ازدواج، زمینه ایجاد اعتماد اجتماعی و امنیت روحی و روانی برای جوانان را فراهم کند تا جوان به جای دلسرد شدن از آینده و موقعیت مبهم خود و پناه بردن به گروه‌های همسالان که معمولاً فرد را با ایده‌آلهای متعدد مسحور هویت‌های سطحی و گذرا می‌سازند، خود را به راحتی در هویت‌های خانوادگی و شغلی و شهروندی دخیل بدانند و اینگونه، هویت اجتماعی او همان چیزی می‌باشد که هم مطلوب اجتماع است و هم مورد تأیید و متناسب با خواست جوان.

پی‌نوئیس‌ها:

* این مقاله در همایش «جوانان ایلام، چالش‌های امروز و زندگی فردا» که توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام در ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۸ برگزار شد، ارائه شده است.

۱ - علی‌الطایب، بحران هویت قومی در ایران، نشر شادگان، تهران ۱۳۷۸ صص ۲۳ و ۳۴.

۲ - انتوفی‌گیدنز، تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، چاپ اول، تهران ۱۳۷۸ صص ۸۲

۳ - همان صص ۸۲.

4 . Burk Peter , Identity Processis and Social Stress , AsR vol.5 , 1991 , P836

5 . Ibid , P837

۶ - انتوفی‌گیدنز، تجدد و تشخص، صص ۵۷ و ۵۶

۷ - ابوالفضل اشرفی، بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب، بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی (رپ و هویت‌متال) در تهران، دانشگاه تربیت مدرس - دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۷، صص ۲۱.

۸ - بورک پتر، به نقل از اشرفی، همان، صص ۲۴.

۹ - همان صص ۲۴.

۱۰ - همان صص ۲۵.

۱۱ - کوتزل، به نقل از اشرفی، همان صص ۲۷.

۱۲ - همان صص ۲۸.

۱۳ - محمد عبدالهی، بحران هویت، هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران - ای.تا، صص ۴۳.

۱۴ - احمدی، علی‌اصغر، بحران هویت‌یابی نوجوانان، مجله تربیت، اسفند ۷۱، صص ۳۰.

۱۵ - فصلنامه فرهنگی اجتماعی، فرهنگ عمومی شماره ۱۱ - ۱۰، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، بهار و تابستان ۱۳۶۵، صص ۴۹ و ۴۸.